

بررسی ارتباط میان ترجیحات موسیقایی و شهر محل سکونت مطالعه‌ی مقایسه‌ای دانش‌آموزان شهرهای شیراز و قائمیه

مجید موحد^۱، روح الله قاسمی^۲، بنت الهدی فتاحی زاده^۳

چکیده:

در پژوهش حاضر به بررسی ارتباط میان شهر و ناحیه‌ی شهری محل سکونت دانش‌آموزان و ترجیحات موسیقایی آنها پرداخته شده است. نمونه‌ی پژوهش ۷۰۱ دانش‌آموز دبیرستانی شیراز و قائمیه بوده‌اند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شده‌اند. پژوهش با استفاده از روش پیمایش انجام شده، داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌ی پژوهشگر ساخته جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند که نوع شهر و ناحیه‌ی شهری محل سکونت دانش‌آموزان با تفاوت در بعد رفتاری ترجیح موسیقایی آنها ارتباط معناداری دارد. در زمینه‌ی ارتباط میان شهر محل سکونت دانش‌آموزان و بعد احساسی ترجیحات موسیقایی آنها یافته‌های پژوهش حاکی از معناداری تفاوت ترجیح موسیقی مذهبی، موسیقی محلی اقوام ایرانی، موسیقی ملل غیرغربی و موسیقی غربی و شهر محل سکونت آنها بود. در مورد ارتباط میان ناحیه‌ی شهری محل سکونت افراد و بعد احساسی ترجیحات موسیقایی آنها، یافته‌های پژوهش نشان دادند که ترجیح موسیقی‌های پاپ ایرانی داخلی، موسیقی غربی، موسیقی مذهبی، موسیقی محلی اقوام ایرانی و موسیقی ترکیبی ایرانی ارتباط معناداری با ناحیه‌ی شهری محل سکونت افراد دارد.

mmovahed@rose.shirazu.ac.ir

roohallah1358ghasemi@gmail.com

hoda.fatahi25@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۲۲

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۹۵/۱۲/۱۱

واژه‌های کلیدی: ترجیحات موسیقایی، دانش‌آموزان دبیرستانی، شهر محل سکونت، ناحیه‌ی شهری محل سکونت.

مقدمه و بیان مسأله:

جامعه‌ی ایران جامعه‌ی در حال توسعه‌ای است که در چند دهه‌ی اخیر در حال از سر گذراندن تغییراتی سریع بوده است. شهرنشینی یکی از این تغییرات بوده است که به نوبه‌ی خود باعث ایجاد تغییرات متعدد و به هم پیوسته‌ای در این جامعه شده است. به عنوان دو تغییر از تغییرات مذکور که با موضوع پژوهش حاضر در ارتباط اند می‌توان به (۱) پیدایش طبقات و رده‌های اجتماعی جدید و (۲) اهمیت یافتن موسیقی در زندگی افراد شهرنشین اشاره نمود. نوجوانان و دانش‌آموزان از جمله‌ی این رده‌های اجتماعی هستند که یکی از وجوه تمایزشان از سایر اقشار اجتماعی این است که به دلایلی چون برخورداری از اوقات فراغت و هویت‌جوئی، بیشتر از هر رده و قشر اجتماعی دیگری به موسیقی اهمیت می‌دهند. اهمیت موسیقی در زندگی آنان به اندازه‌ای است که آنها در فاصله‌ی بین کلاس‌های هفتم و دوازدهم بالغ بر ۱۰۰۰۰ ساعت از وقت‌شان را صرف شنیدن موسیقی می‌کنند که برابر با زمانی است که صرف می‌کنند تا از دبیرستان فارغ‌التحصیل بشوند (شوارتز^۱، ۲۰۰۴: ۴۷). با مد نظر قرار دادن مطالب گفته شده می‌توان انتظار داشت که شهرنشینی و سکونت در شهر بر ابعاد مختلف زندگی موسیقائی نوجوانان از جمله ترجیحات موسیقائی آنان تأثیر گذشته باشد. پیچیدگی مسأله‌ی ارتباط بین سکونت در شهر و ترجیحات موسیقایی نوجوانان هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم عوامل دیگری چون جمعیت و اندازه‌ی شهرها، ثبات جمعیتی و مهاجرپذیری شهرها، میزان توسعه یافتگی شهرها، نامتناسب بودن توسعه یافتگی شهرها و نواحی شهری، بافت قومی و مذهبی نیز در کنار شهرنشینی و به عنوان پیامدهای آن در شکل‌گیری ترجیحات موسیقایی تأثیرگذار هستند. نکات برشمرده شده حکایت از ارتباط احتمالی شهر و ناحیه‌ی شهری محل سکونت افراد با ترجیحات موسیقائی آنها دارد و به

همین سبب مسأله‌ی پژوهش حاضر بررسی این نکته است که نوع شهر محل سکونت افراد و ناحیه‌ای از شهر که دانش‌آموزان در آن سکونت دارند چه ارتباطی با ترجیحات موسیقایی آنان دارد. ضرورت پژوهش در مورد ارتباط میان شهرنشینی و ترجیحات موسیقایی دانش‌آموزان از آنجا پدید می‌آید که به سبب نوپا بودن جامعه‌شناسی موسیقی در ایران، توجه چندانی در مورد این بُعد از ترجیحات موسیقایی ایرانیان نشده است و لازم است پژوهش‌هایی در این مورد انجام شود. به علاوه سیاست‌گذاری موسیقایی در ایران در صورتی اثربخش خواهد بود که مبتنی بر پژوهش‌هایی باشد که با توجه به ابعاد مختلفی چون جغرافیای موسیقی، نقشه‌ی نسبتاً خوبی از ترجیحات موسیقایی شهروندان ایرانی از جمله دانش‌آموزان ترسیم نماید. پژوهش حاضر با هدف برطرف نمودن بخشی از خلأهای گفته شده و پاسخگویی به پرسش‌های زیر انجام شده است:

۱- نوع شهر و ناحیه‌ی شهری محل سکونت دانش‌آموزان ایرانی چه تأثیری بر بعد

رفتاری ترجیحات موسیقایی آنان دارد؟

۲- نوع شهر و ناحیه‌ی شهری محل سکونت دانش‌آموزان ایرانی چه تأثیری بر بعد

احساسی ترجیحات موسیقایی آنان دارد؟

مباحث نظری پژوهش: شهرنشینی و ترجیحات موسیقایی

با وجود اهمیتی که جامعه‌شناسان اولیه و کلاسیک برای شهرنشینی قائل بوده‌اند و انتظار می‌رود که این محققین به بررسی ارتباط بین شهرنشینی و مصرف موسیقی پرداخته باشند، بررسی آراء این اندیشمندان نشان می‌دهد که تنها در آراء تعداد معدودی از آنان به این مسأله پرداخته شده است. جورج زیمل به عنوان یکی از نخستین جامعه‌شناسانی که به بررسی ارتباط بین موسیقی و شهرنشینی پرداخته است بر این نظر بوده است که موسیقی به افراد شهرنشین در مواجهه با غریبگی، تحریک‌کنندگی بیش از حد و گسستگی زندگی شهری کمک می‌کند (کمپل، ۲۰۰۹؛ ۱۹۵). در فاصله‌ی سال‌های پیش از جنگ دوم جهانی با پیدایش مکتب شیکاگو روند مذکور اندکی بهبود پیدا نمود و محققان این مکتب در خلال

بررسی نقش موسیقی و استفاده از آن در چگونگی تجربه کردن زندگی روزمره، چگونگی پیوستن مهاجران به زندگی روزمره‌ی آمریکایی و ایجاد شبکه‌های دوستی و همسایگی (گرازیان^۱، ۲۰۰۴: ۹۸) به صورت ضمنی به پژوهش در مورد ارتباط شهرنشینی و مصرف موسیقی پرداخته‌اند. بعد از جنگ جهانی دوم و بخصوص در سال‌های پس از دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی رویکردهای جامعه‌شناختی مختلفی به بررسی ارتباط میان مصرف موسیقی و شهرنشینی پرداختند. متفکران مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام با تمرکز ویژه بر خرده‌فرهنگ‌های جوانان شهرنشین همانند تدها^۲، مدها^۳، اسکین هدها^۴، بیکرها^۵ و پانک‌ها اساس شکل‌گیری آنها مصرف و ترجیح سبک‌های متمایز موسیقی است (هودکینسون و لفگانگ^۶، ۲۰۰۷: ۴) به پژوهش در این زمینه پرداختند. در رویکرد موسیقی به عنوان یک صحنه‌ی اجرا که در آرای کسانی چون ویل استرا طرح گردیده است بر نقش مصرف موسیقی در تعریف هویت افراد تأکید می‌شود و موسیقی به عنوان نوع خاصی از بستر فرهنگی شهری و عمل کدگذاری مکانی تعریف می‌شود (شوکر^۷، ۱۹۹۸: ۲۳۸). میسائیل مافیسولی در نظریه‌ی قبیله‌گرایی جدید خود به بررسی ارتباط میان مصرف موسیقائی و شهرنشینی پرداخته است. قبیله‌گرایی جدید از نظر او به معنای ازدیاد احزاب، فرقه‌ها، شبکه‌های ارتباطی، اجتماعات موسیقایی و اجتماعات ورزشی به عنوان ویژگی غالب کلان شهرهای معاصر است. ترجیح موسیقی رقص معاصر و جنون مرتبط با آن که در بستر شهرها پدید می‌آید را می‌توان یکی از نمودهای قبیله‌گرایی جدید دانست (هودکینسون و لفگانگ، ۲۰۰۷: ۱۰۴). در دهه‌ی ۱۹۹۰ و سال‌های پس از ۲۰۰۰ بیشتر مطالعات انجام شده در مورد ارتباط شهرنشینی و موسیقی و شاید جدی‌ترین این مطالعات در بستر سنتی انجام گرفته است که موسیقی را بیشتر به عنوان یک جنبه‌ی عادی و معمول زندگی روزمره مورد بررسی

-
- 1- Grazian, D
 - 2- Teds
 - 3- Mods
 - 4- Skeanheads
 - 5- Bickers
 - 6- Hodkinson, P & Wolfgang, D
 - 7- Shuker, R

قرار می‌دهد (کوتاربا، ۲۰۰۳؛ ۳۶۱). در همین راستا، سارا کوهن نشان داده است که موسیقی چگونه به جک لوی پیرمرد ۸۸ ساله‌ی یهودی در دوباره‌سازی گذشته‌ی شخصی خود و اجتماع یهودی لیورپول و ایجاد احساس هویت و تعلق مکانی کمک می‌کند. او نشان می‌دهد که مکان برای بسیاری از اجتماعات مهاجر بیشتر از هر عنصر دیگری از زندگی اجتماعی توسط موسیقی ساخته می‌شود (هسمندهالگ و نگوس، ۲۰۰۲: ۱۲۶-۱۲۷). میثائیل بول به عنوان یکی دیگر از افراد مطرح در سنت موسیقی به عنوان زندگی روزمره به طرح این نظریه می‌پردازد که استفاده از ابزارهایی همچون MP3 به نوجوانان و جوانان شهرنشین این توان را می‌دهد تا فضای عمومی شهر را برای خود تبدیل به فضای شخصی بنمایند و از این طریق برای خودشان فضایی آزاد خلق کنند (سیمون، ۲۰۰۹: ۹-۹). به علاوه گوش دادن انفرادی به موسیقی بخشی از مجموعه مهارت‌های زندگی و اقامت در شهر است (دی نورا، ۲۰۰۳: ۱۴۲-۳). بدین ترتیب می‌توان گفت که نظریه‌های جامعه‌شناختی معطوف به بررسی ارتباط بین شهرنشینی و موسیقی بیشتر علاقه‌مند به بررسی ارتباط بین پیامدهای شهرنشینی همچون پدید آمدن اوقات فراغت، پدید آمدن رده‌ی اجتماعی جدیدی به نام نوجوان و جوان، مصرف‌گرایی، مهاجرت و اختلاط فرهنگی ناشی از آن، احساس بیگانگی و تک‌افتادگی، میل به هویت‌جویی و تمایزطلبی و مصرف موسیقی بوده‌اند و ارتباط میان شهرنشینی و ترجیحات موسیقایی به عنوان یکی از ابعاد مهم مصرف موسیقایی هیچ‌گاه توجه نظری درخور و مستقلى را به خود جلب نموده است.

چارچوب نظری و مدل پژوهش:

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تقریباً همه‌ی نظریه‌ها و رویکردهای مورد بررسی در زمینه‌ی ارتباط میان شهرنشینی و مصرف و ترجیح موسیقی به گونه‌ای نظری و کیفی به بررسی این رابطه پرداخته‌اند. این مسأله ضرورت بررسی ارتباط میان شهرنشینی و مصرف و ترجیح موسیقی‌های مختلف به صورت کمی را پدید می‌آورد. یکی از

-
- 1- Kotarba, J, A
 - 2- Hesmondhalgh, D & Negus, K
 - 3- Simun, M
 - 4- De Nora, T

نظریه‌هایی قابل استفاده در زمینه‌ی بررسی کمی ارتباط بین مکان سکونت افراد و ترجیحات موسیقایی آنها مدل تصمیم ترجیحی آلبرت لبلانش^۱ در زمینه‌ی مصرف موسیقائی است. این مدل که به منظور تبیین ترجیح قطعات موسیقی توسط آلبرت لبلانش ارائه شده است شامل هشت سطح سلسله مراتبی از متغیرهاست که به گونه‌ی زیر عمل می‌نمایند:

سطح هشت:

سطح هشت مدل لبلانش شامل متغیرهای بیرونی است که بر روی تصمیم‌های ترجیحی نهایی فرد تأثیر می‌گذارند. در این سطح دو دسته متغیر وجود دارد که شامل ۱- متغیرهای محیطی^۲ - متغیرهای انگیزشی می‌باشد. متغیرهای محیطی شامل مواردی چون آموزش، خانواده، گروه همسالان است؛ متغیرهای انگیزشی شامل مواردی همچون ویژگی‌های فیزیکی قطعه‌ی موسیقی، پیچیدگی قطعه‌ی موسیقی، معانی ارجاع دهنده‌ی موسیقی و کیفیت اجرا می‌باشد (جینوک چیو^۲، ۲۰۰۶؛ ۱۳). به نظر می‌رسد که سکونت در شهر به عنوان متغیری محیطی می‌تواند در سطح هشتم مدل تصمیمات ترجیحی آلبرت لبلانش مؤثر واقع شود.

سطح هفت و شش و پنج:

لبلانش این سه سطح را به عنوان عوامل نظارت‌کننده‌ای در نظر می‌گیرد که اطلاعات ورودی فرد را کنترل می‌کنند. این سطوح شرایط مربوط به توانایی‌های زیست‌شناختی، توجه بنیادین و تأثیرات جاری هستند: این سه متغیر ممکن است که به طور کامل‌گذار اطلاعات ورودی را سد کنند یا ممکن است که به آنها اجازه‌ی عبور بدهند. تأثیر این متغیرها بر روی اطلاعات ورودی می‌تواند شامل گستره‌ای از تأثیرات کاملاً نامحسوس تا تأثیرات کاملاً محسوس باشد. این روند همیشه مستعد ایجاد تغییر در پردازش‌های بعدی و تصمیم‌های مربوط به ترجیح موسیقایی می‌باشد (جینوک چیو، ۲۰۰۶؛ ۱۳).

سطح چهار:

سطح چهار جایی است که ویژگی‌های درونی شده‌ی فرد همانند حافظه، سن، پایگاه

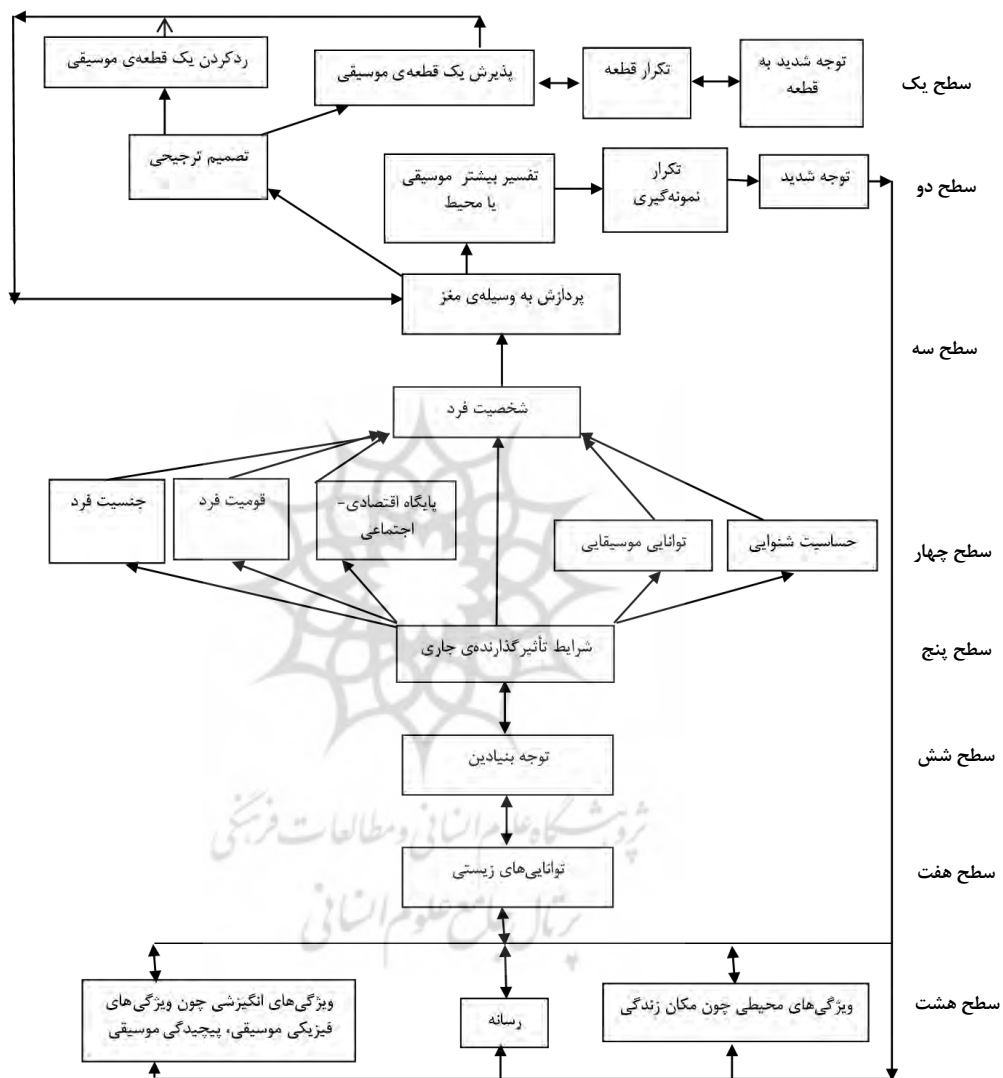
1- leblance, A

2- Ginocchio, J

اقتصادی- اجتماعی، گروه قومی، جنسیت، شخصیت، آموزش موسیقایی، توانایی‌های موسیقایی و حساسیت شنوایی بر روی درک اطلاعات ورودی او تأثیر می‌گذارند. ضمن اینکه این ویژگی‌ها عموماً ثابت می‌باشند، تأثیرشان بر روی اطلاعات ورودی می‌تواند متفاوت و وابسته به محرک‌ها باشد (جینوک چپو، ۲۰۰۶: ۱۴).

سطح سه، دو و یک :

سطوح باقیمانده نشان‌دهنده‌ی پردازش فعال، تصمیم‌گیری و عمل واکنشی فرد است. سطح سه، سطح پردازش به وسیله‌ی مغز شنونده است. سطح دو شامل دو گزینه است: در وهله‌ی اول ممکن است که شنونده تصمیم بگیرد که شناسایی بیشتر محرک یا محیط لازم است. در نتیجه تکرار در گزینش توجه شدید و برگشت به سطح هشت در فرایند توضیح داده شده اتفاق می‌افتد. فرایند جایگزین این عمل آن است که ممکن است که فرد تصمیم ترجیحی بگیرد. این گزینه امکان فراروی به سطح اول را فراهم می‌سازد. در این سطح است که ممکن است فرد مقوله‌ی مورد بحث را بپذیرد یا رد کند. پذیرش محرک ممکن است که به تکرار قطعه‌ی موسیقی یا آگاهی شدید نسبت به آن منجر شود. رد کردن موسیقی ممکن است که منجر به اجتناب و بی‌علاقگی نسبت به محرک‌های مشابه نیز شود (جینوک چپو، ۲۰۰۶: ۱۴).



مدل پژوهش: برگرفته از جینوک چیو (۲۰۰۶)

بررسی ادبیات پژوهش:

در ایران پژوهش مستقلی در مورد بررسی ارتباط میان شهرنشینی و مکان سکونت افراد در شهر و ترجیحات موسیقایی آنها وجود ندارد و تنها در خلال تعداد معدودی از پژوهش‌های انجام شده در مورد ترجیحات موسیقایی افراد به این ارتباط پرداخته شده

است. شکوری و غلامزاده نطنزی (۱۳۹۰) در یکی از همین پژوهش‌های محدود به این نتیجه رسیده‌اند که افراد ساکن در مناطق با توسعه‌یافتگی بالا گفتمان‌های غربی، پاپ، راک، سنتی، رپ زیرزمینی را و افراد ساکن در مناطق با توسعه‌یافتگی متوسط به ترتیب به موسیقی پاپ، پاپ زیرزمینی، ترکیبی و رپ زیرزمینی را بیشتر ترجیح می‌دهند. افراد ساکن در مناطق با توسعه‌یافتگی پایین به ترتیب به پاپ، پاپ زیرزمینی، رپ زیرزمینی، غربی و سنتی علاقه نشان می‌دهند. به علاوه موسیقی کلاسیک در مناطق با توسعه‌یافتگی پایین و موسیقی مذهبی در مناطق با توسعه‌یافتگی بالا هیچ شنونده‌ای ندارد و موسیقی مذهبی موسیقی مورد ترجیح مناطق دارای بافت سنتی و مذهبی است. بررسی پژوهش‌های انجام شده در سطح جهانی نشان می‌دهد که در سطح جهان پژوهش‌های بیشتر و متنوع‌تری در زمینه‌ی ارتباط میان شهر محل سکونت افراد و ترجیحات موسیقایی آنها انجام شده است. در همین راستا ویس^۱ (۱۹۸۸) به این نتیجه رسیده است که افراد ساکن در شهرک‌های کشاورزی کوچک موسیقی عامیانه، راک و کانتری را و افراد ساکن در مناطق شهری بزرگتر جاز و بلوز را ترجیح می‌دهند. نتایج کاتزگرو^۲ (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که افراد ساکن در نقاط شهری ترجیح قدرتمندتری نسبت به موسیقی‌های نوین و پیشرو و افراد ساکن در حومه‌ی شهرها و مناطق روستایی ترجیح قدرتمندتری نسبت به راک و موسیقی‌های قدیمی از خود نشان می‌دهند. یافته‌های میزل^۳ (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که افرادی که در شمال شرقی آمریکا ساکن هستند کمتر احتمال دارد که به موسیقی کانتری/ غربی گوش دهند. به علاوه بزرگسالان ساکن در مناطق روستایی در تمام نواحی مورد مطالعه بیشتر احتمال دارد که موسیقی کانتری/ غربی را ترجیح دهند. ساکنان مناطق شهری بیشتر احتمال دارد که از موسیقی ایزی لیسینینگ لذت ببرند و بزرگسالان مقیم جنوب کمتر از بزرگسالان مقیم شمال شرقی از این موسیقی لذت می‌برند. ساکنان جنوبی کمتر احتمال دارد که هواخواه موسیقی هوی متال

1- Weiss, M. J
2- Katz-gero, T
3- Mizel, Lee

باشند و توزیع هواخواهان این موسیقی در مناطق روستایی و شهری هم اندازه است. نتایج جینوک چیو (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که ساکنان مناطق روستایی موسیقی‌های پاپ راک، هاردراک و کانتری را و ساکنان مناطق شهری موسیقی رقص را بیشتر ترجیح می‌دهند. نتایج رنتفرو^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در مورد توزیع جغرافیایی ترجیحات موسیقایی ساکنان کلان‌شهرهای آمریکایی نشان می‌دهد که ترجیحات موسیقایی در کلان شهرهای مختلف با هم متفاوت است و عواملی نظیر عوامل محیطی، پیشینه‌ی اقتصادی-اجتماعی، پیشینه‌ی قومی، باورهای سیاسی، مؤلفه‌های شخصیتی، تراکم جمعیتی بر سبک‌ها و مقوله‌های مورد ترجیح تأثیر دارند.

فرضیات پژوهش

با توجه به بررسی انجام گرفته در مورد پژوهش‌های پیشین، پژوهش حاضر در راستای باز آزمون ارتباط میان مکان سکونت و ترجیحات موسیقایی دانش‌آموزان، بین شهر محل سکونت افراد و ناحیه‌ی شهری محل سکونت آنها با بعد رفتاری و احساسی ترجیحات موسیقایی افراد ارتباط معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش:

پژوهش حاضر در اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ هجری شمسی در شهر شیراز و قائمیه انجام گرفته است. علت انتخاب این دو شهر این بوده است که این دو شهر از نظر جمعیت، توسعه‌یافتگی و بافت اجتماعی با هم متفاوت هستند و به نظر می‌رسد که این عامل می‌تواند بر ترجیحات موسیقایی اثرگذار باشد. شیراز به عنوان مرکز استان فارس و یکی از کلان‌شهرهای بزرگ ایران ۱۴۶۱۰۰۰۰ (در سال انجام پژوهش) جمعیت دارد، از نظر اقتصادی نسبت به قائمیه توسعه یافته‌تر است، جمعیت غالب در آن فارس زبان هستند. قائمیه شهری کوچک با جمعیت ۲۵۳۵۵ نفر در شمال غربی فارس است که مشخصه‌ی بارز آن تنوع قومیتی و وجود قومیت‌هایی چون لر، ترک و کوهمره‌ای، توسعه‌نیافتگی و نبود امکانات رفاهی، مهاجرپرستی و مهاجرپذیری نسبتاً بالای آن است. در شهر شیراز

1- Rentfrow, J. P.

نیز بین نقاط مختلف تفاوت‌هایی از نظر مکان سکونت وجود دارد. ناحیه‌ی ۱ آموزش و پرورش شیراز از توسعه‌یافتگی بالا، توزیع امکانات رفاهی و فراغتی بالا برخوردار است و افراد دارای مشاغل عالی همچون پزشکان، وکلا، استادان دانشگاه بیشتر در این ناحیه سکونت دارند. ناحیه‌ی دو آموزش و پرورش شیراز از توسعه‌یافتگی نسبتاً بالا، توزیع امکانات رفاهی و فراغتی نسبتاً بالا، مهاجرپذیری نسبتاً پایین برخوردار است و کارمندان برخوردار از درآمد ماهیانه‌ی بالا و برخی از افراد دارای مشاغل عالی بیشتر ساکنان آن را تشکیل می‌دهند. ناحیه‌ی ۳ آموزش و پرورش شیراز از توسعه‌یافتگی پایین، امکانات رفاهی و فراغتی پایین و مهاجرپذیری بالا برخوردار است. بیشتر ساکنان آن را مهاجران و کارگران تشکیل می‌دهند و در بر گرفتن هسته‌ی اولیه‌ی شکل‌گیری شهر و وجود اماکن مذهبی بالا به آن بافتی سنتی و مذهبی می‌دهد. ناحیه‌ی ۴ آموزش و پرورش شیراز از توسعه‌یافتگی نسبتاً پایین، امکانات رفاهی و فراغتی نسبتاً پایین و مهاجرپذیری نسبتاً بالا برخوردار است و بیشتر ساکنان آن را شاغلان خدماتی، کارمندان با درآمد پایین تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش خوشه‌ای و تصادفی بوده است به گونه‌ای که ابتدا با استفاده از فرمول کوکران حجم کل نمونه به دست آمد و سپس بر اساس تعداد دانش‌آموزان منطقه‌ی قائمیه و ۴ ناحیه‌ی تحصیلی شیراز، حجم نمونه در هر ناحیه مشخص شد و با توجه به متغیرهای چون نوع دبیرستان، مدرسی از هر ناحیه انتخاب و پرسش‌نامه به طور تصادفی در میان دانش‌آموزان توزیع شد. حجم نمونه در ابتدا ۷۲۰ نفر بود که به علت مخدوش بودن برخی از پرسشنامه‌ها نمونه به ۷۰۱ نفر تقلیل یافت. برای سنجش ترجیحات موسیقایی دانش‌آموزان پرسشنامه‌ی محقق ساخته به کار گرفته شد.

تعریف نظری و عملی متغیرها

ترجیح موسیقایی: منظور از ترجیح یک سبک موسیقی، میزان تمایل و آمادگی شناختی، احساسی و رفتاری برای گوش دادن یا خرید و به عبارتی مصرف آن است. ابعاد این ترجیح شامل ۱- بعد شناختی: میزان آشنایی فرد با گونه‌های مختلف موسیقی و اطلاع

وی از انواع آنها ۲- بعد احساسی: میزان علاقه، درگیر بودن فرد با گونه‌های مختلف موسیقی ۳- بعد رفتاری: مدت زمان گوش دادن به موسیقی در طی روز، خرید محصولات مربوط به انواع موسیقی، میزان شرکت در کنسرت‌های آنها در طول سال (ودادهیر و همکارانش، ۱۳۹۰؛ ۱۸۱) است. در پژوهش حاضر از بعد احساسی و رفتاری ترجیحات موسیقایی برای سنجش ترجیحات موسیقایی دانش‌آموزان استفاده شده است. منظور از بعد رفتاری ترجیحات موسیقایی دانش‌آموزان در این پژوهش مشارکت یا عدم مشارکت آنها در کلاس سازهای موسیقی است و برای سنجش آن از دانش‌آموزان خواسته شد تا با استفاده از دو گزینه ی بلی و خیر مشارکت یا عدم مشارکت خود در کلاس‌های موسیقی را مشخص نمایند. منظور از بعد احساسی ترجیحات موسیقایی افراد، تعلق احساسی آنها نسبت به یک سبک موسیقی است. برای سنجش بعد احساسی ترجیحات موسیقایی ابتدا از تقسیم‌بندی مجید کیانی در مورد موسیقی‌های ایرانی استفاده شد و مقوله‌های موسیقی مقامی مناطق مختلف ایران، موسیقی ردیف دستگاهی، موسیقی ترکیبی، موسیقی پاپ ایرانی و موسیقی مذهبی (کیانی، بی تا) به عنوان موسیقی‌های ایرانی رایج استخراج شد تا برای طراحی طیف سنجش ترجیحات موسیقایی دانش‌آموزان استفاده شود. با توجه رواج گونه‌های دیگر موسیقی همچون موسیقی‌های خارجی غربی و غیرغربی از دانش‌آموزان خواسته شد تا در کنار موسیقی‌های ایرانی، ترجیح خود نسبت به این سبک‌ها را نیز مشخص کنند. برای مشخص کردن میزان ترجیح مقوله‌های موسیقایی ذکر شده برخی از این مقوله‌ها به زیرگروه‌هایی تقسیم شد. در پایان از دانش‌آموزان خواسته شد تا در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای خیلی کم تا خیلی زیاد میزان دوست داشتن خود نسبت به ۲۹ سبک و مقوله‌ی موسیقایی زیر را تعیین کنند: ۱- کلاسیک غربی؛ ۲- هوی متال؛ ۳- سافت راک؛ ۴- راک ان رول؛ ۵- ریتم و بلوز؛ ۶- رپ غربی؛ ۷- ایزی لیسینگ؛ ۸- تکنو و رقص؛ ۹- پاپ غربی؛ ۱۰- پاپ ایرانی خارجی (داریوش، ابی و سیاوش قمیشی)؛ ۱۱- پاپ ایرانی خارجی ۲ (هایده و حمیرا و مهستی)؛ ۱۲- پاپ ایرانی خارجی ۳ (منصور و افشین)؛ ۱۳- پاپ ایرانی خارج ۴ (امید

و شکيلا)؛ ۱۴- پاپ ایرانی داخلی ۱ (محمد نوری، فرهاد مهرداد و کورش یغمایی)؛ ۱۵- پاپ ایرانی داخلی ۲ (اصفهانى، عصار، افشار)؛ ۱۶- پاپ ایرانی داخلی ۳ (محسن چاووشی، بنیامین، محسن یگانه)؛ ۱۷- رپ ایرانی انتقادی بنیادگرا (شاهین نجفی، هیچ کس)؛ ۱۸- رپ ایرانی محافظه کار (یاس، هارنیک)؛ ۱۹- رپ ایرانی تجاری (ساسی مانکن و امیر تتلو)؛ ۲۰- موسیقی ردیف دستگاهی آوازی (شجریان، ناظری و سراج)؛ ۲۱- موسیقی ردیف دستگاهی بی آواز (لطفی، علیزاده، ذوالفنون)؛ ۲۲- موسیقی مذهبی (منصور ارضی، محمود کریمی و مرتضی طاهری) ۲۳- موسیقی محلی ترکی ۲۴- موسیقی محلی کردی ۲۵- موسیقی محلی لری ۲۶- موسیقی محلی گیلکی ۲۷- موسیقی عربی ۲۸- موسیقی ترکی استانبولی ۲۹- موسیقی ترکیبی ایرانی. برای سنجش میزان ترجیح سبک‌های موسیقایی میانگین ترجیح ۰-۱ به عنوان ترجیح خیلی کم، ۱-۲ ترجیح کم، ۲-۳ ترجیح متوسط، ۳-۴ به عنوان ترجیح زیاد و ۴-۵ به عنوان ترجیح خیلی زیاد در نظر گرفته شده است. برای سنجش اعتبار طیف سنجش ترجیحات موسیقایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است که آلفای کرونباخ کلی این طیف $0/853$ بوده است.

نتایج آزمون فرضیات:

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش در قالب جداول یک تا ۴ ارائه شده است. جدول شماره ۱ نشان دهنده‌ی نتایج آزمون فرضیه‌ی اول پژوهش است. ملاحظه می‌شود که نسبت افرادی که در کلاس سازهای موسیقی شرکت کرده‌اند در شیراز ۱ به ۳ و در قائمیه ۱ به ۱۰ است. به عبارت دیگر نسبت افرادی که در کلاس‌های موسیقی شرکت می‌کنند، در شیراز به مراتب بیشتر از قائمیه است. ضریب فی $0/165$ و سطح معناداری $p=0/000$ نشان می‌دهد که این تفاوت معنادار است.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی و درصد فراوانی مشارکت پاسخگویان در کلاس سازهای موسیقی

برحسب شهر مکان سکونت آنها

معناداری	آماره	شیراز	قائمیه	ناحیه شرکت در کلاس
۰/۰۰۰	ضریب فی = $0/165$	۲۲/۰٪	۱/۶٪	بله

		۵۹/۹٪	۱۶/۵٪	خیر
		۸۱/۹٪	۱۸/۱٪	جمع کل

جدول شماره‌ی ۲ نشان دهنده‌ی نتایج آزمون فرضیه‌ی دوم پژوهش است. ملاحظه می‌شود که نسبت افرادی که در کلاس سازهای موسیقی شرکت کرده‌اند به افرادی که در این کلاس‌ها مشارکت نکرده‌اند در ناحیه‌ی ۱ و ۲ تقریباً برابر با ۱ به ۲ و در ناحیه‌ی ۳ و ۴ تقریباً برابر با ۱ به ۵ است. به عبارت دیگر در ناحیه‌ی ۱ و ۲ نسبت افرادی که در این کلاسها شرکت می‌کنند، بیشتر از ناحیه‌ی ۳ و ۴ است. ضریب فی $0/187$ و سطح معناداری $p=0/000$ نشان می‌دهد که این تفاوت معنادار است.

جدول شماره‌ی ۲: توزیع فراوانی و درصد فراوانی مشارکت پاسخگویان در کلاس سازهای

موسیقی برحسب ناحیه‌ی شهری سکونت آنها

معناداری	آماره	جمع کل	ناحیه				شرکت در کلاس
			ناحیه‌ی ۴	ناحیه‌ی ۳	ناحیه‌ی ۲	ناحیه‌ی ۱	
۰/۰۰۰	ضریب فی = $0/187$	۲۶/۸٪	۳/۳٪	۴/۴٪	۸/۰٪	۱۱/۱٪	بله
		۷۳/۲٪	۱۵/۷٪	۲۰/۶٪	۱۵/۹٪	۲۱/۱٪	خیر
		۱۰۰٪	۱۹/۰٪	۲۴/۹٪	۲۳/۹٪	۳۲/۲٪	جمع کل

جدول شماره‌ی ۳ نشان دهنده‌ی نتایج آزمون T فرضیه‌ی سوم پژوهش است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود سکونت در قائمیه یا شیراز با ترجیح موسیقی سنتی ایرانی، موسیقی پاپ ایرانی خارجی، پاپ ایرانی داخلی، موسیقی رپ ایرانی و موسیقی ترکیبی ایرانی ارتباط معناداری ندارد. درباره‌ی ارتباط میان شهر محل سکونت و ترجیح دیگر سبک‌های موسیقی یافته‌های جدول حکایت از آن دارند که (۱) میانگین ترجیح موسیقی مذهبی در قائمیه (۱/۸) بیشتر از شیراز (۱/۳) است. میزان $T=2/8$ و سطح معناداری $0/005$ حاکی از آن است که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت بین شهر محل سکونت افراد و ترجیح موسیقی مذهبی ارتباط معناداری وجود دارد؛ (۲) میانگین ترجیح موسیقی محلی اقوام ایرانی در قائمیه (۱۱/۱) بیشتر از شیراز (۴/۵) است. میزان $T=12/1$ و سطح معناداری

۰/۰۰۰ حاکی از آن است که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت بین محل سکونت افراد و ترجیح موسیقی اقوام ایرانی ارتباط معناداری وجود دارد؛ (۳) میانگین ترجیح ملل غیرغربی در قائمیه (۵/۳) بیشتر از شیراز (۴/۵) است. میزان $T=2/1$ و سطح معناداری ۰/۰۳۵ حاکی از آن است که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین محل سکونت افراد و ترجیح موسیقی ملل غیرغربی ارتباط معناداری وجود دارد؛ (۴) میانگین ترجیح موسیقی غربی در شیراز (۱۲/۰) بیشتر از قائمیه (۶/۱) است. میزان $T=-6/42$ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ حاکی از آن است که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت بین محل سکونت افراد و ترجیح موسیقی غربی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون T گروه‌های مستقل ترجیح مقوله‌های موسیقایی مختلف بر اساس

شهر محل سکونت افراد

مقوله موسیقایی	شهر محل سکونت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معناداری (P)
موسیقی سنتی ایرانی	قائمیه	۱۲۷	۳/۳۵	۳/۲	-۰/۳۱	۰/۷۶
	شیراز	۵۷۴	۳/۴۶	۳/۷		
موسیقی پاپ ایرانی خارجی	قائمیه	۱۲۷	۱۱/۴	۵/۳	۰/۷۷	۰/۴۴
	شیراز	۵۷۴	۱۱/۰	۵/۶		
موسیقی پاپ ایرانی داخلی	قائمیه	۱۲۷	۷/۴۱	۳/۶	۰/۸	۰/۹۱
	شیراز	۵۷۴	۷/۳۷	۳/۷		
موسیقی رپ ایرانی	قائمیه	۱۲۷	۷/۷	۴/۵	-۰/۵۹	۰/۵۶
	شیراز	۵۷۴	۸/۰	۵/۰		
موسیقی مذهبی ایرانی	قائمیه	۱۲۷	۱/۸	۱/۸	۲/۸	۰/۰۰۵
	شیراز	۵۷۴	۱/۳	۱/۷		
موسیقی محلی اقوام ایرانی	قائمیه	۱۲۷	۱۱/۱	۶/۴	۱۲/۱	۰/۰۰۰
	شیراز	۵۷۴	۴/۵	۵/۴		
موسیقی ترکیبی ایرانی	قائمیه	۱۲۷	۱/۲۷	۱/۶	-۰/۷۲	۰/۴۷
	شیراز	۵۷۴	۱/۳۹	۱/۷		

مقوله موسیقایی	شهر محل سکونت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معناداری (P)
موسیقی ملل غیر غربی	قائمیه	۱۲۷	۵/۳	۳/۶	1/2	۰/۰۳۵
	شیراز	۵۷۴	۴/۵	۳/۸		
موسیقی غربی	قائمیه	۱۲۷	۶/۱	۷/۰	-۶/۴۲	۰/۰۰۰
	شیراز	۵۷۴	۱۲/۰	۹/۸		

جدول شماره‌ی ۴ نشان دهنده‌ی نتایج آزمون F فرضیه‌ی چهارم پژوهش است. ملاحظه می‌شود که ناحیه‌ی شهری سکونت افراد با ترجیح موسیقی سنتی ایرانی، پاپ ایرانی خارجی، موسیقی ملل غیر غربی، موسیقی رپ ایرانی ارتباط معناداری ندارد. درباره‌ی ارتباط بین ناحیه‌ی شهری محل سکونت افراد و ترجیح سایر سبک‌های موسیقی یافته‌های این جدول حکایت از آن دارند که ۱) میانگین ترجیح موسیقی پاپ ایرانی داخلی در ناحیه‌ی ۴ و ۳ تقریباً برابر و بیشتر از ناحیه‌ی ۲ و ۱ است. میزان $F=۲/۴$ و سطح معناداری $p=۰/۰۳$ نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین مکان سکونت افراد و ترجیح موسیقی پاپ ایرانی داخلی ارتباط معناداری وجود دارد؛ ۲) میزان ترجیح موسیقی غربی در نواحی یک (۱۳/۶) بیشتر از سایر نواحی و نواحی ۲، ۳ و ۴ در رتبه‌های بعد قرار دارند. میزان $F=۴/۷$ و سطح معناداری $p=۰/۰۰۳$ نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین ناحیه‌ی زندگی و ترجیح موسیقی‌های غربی ارتباط معناداری وجود دارد؛ ۳) میانگین ترجیح موسیقی مذهبی در ناحیه‌ی سه (۱/۹) بیشتر از سایر نواحی بوده و ناحیه‌ی ۴، ۲ و ۱ در رتبه‌های بعد قرار دارند. میزان $F=۱۳/۴۱$ و سطح معناداری $p=۰/۰۰۰$ نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین ناحیه‌ی زندگی و ترجیح موسیقی‌های مذهبی ارتباط معناداری وجود دارد؛ ۴) میانگین ترجیح موسیقی محلی اقوام ایرانی در ناحیه‌ی سه (۵/۷) بیشتر از سایر نواحی است و نواحی ۴، ۱ و ۲ به ترتیب در رتبه‌های بعد قرار دارند. میزان $F=۴/۳۶$ و سطح معناداری $p=۰/۰۰۵$ نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین ناحیه‌ی زندگی و ترجیح موسیقی‌های محلی اقوام ایرانی ارتباط معناداری وجود دارد؛ ۵) میانگین

ترجیح موسیقی ترکیبی ایرانی در نواحی یک و دو (۱/۶) بیشتر از سایر نواحی است و ناحیه‌ی ۳ و ۴ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. میزان $F=۴/۲۳$ و سطح معناداری $p=۰/۰۰۶$ نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین ناحیه‌ی زندگی و ترجیح موسیقی ترکیبی ایرانی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴: نتایج آزمون تحلیل واریانس (F) ترجیح مقوله‌های موسیقایی مختلف بر اساس

مکان سکونت افراد

مقوله موسیقایی	ناحیه تحصیل	میانگین ترجیح	انحراف معیار	F	معناداری	مقوله‌ی موسیقایی	ناحیه‌ی تحصیل	میانگین ترجیح	انحراف معیار	F	Sig F
موسیقی سنتی ایرانی	ناحیه ۱	۳/۹۲	۴/۱	۱۳/۴۱	۰/۰۰۰	موسیقی مذهبی	ناحیه ۱	۰/۸	۱/۳	۲/۱	۰/۱
	ناحیه ۲	۳/۵۲	۳/۷				ناحیه ۲	۱/۳			
	ناحیه ۳	۳/۲۴	۳/۲				ناحیه ۳	۱/۹			
	ناحیه ۴	۲/۸۸	۳/۱				ناحیه ۴	۱/۶			
پاپ ایرانی خارجی	ناحیه ۱	۱۰/۵۶	۵/۷	۴/۳۶	۰/۰۰۵	موسیقی اقوام ایرانی	ناحیه ۱	۳/۹	۵/۳	۱/۴	۰/۲۵
	ناحیه ۲	۱۰/۵۴	۵/۴				ناحیه ۲	۳/۸			
	ناحیه ۳	۱۱/۵۹	۵/۷				ناحیه ۳	۵/۷			
	ناحیه ۴	۱۱/۴۱	۵/۵				ناحیه ۴	۴/۹			
پاپ ایرانی داخلی	ناحیه ۱	۶/۸	۳/۶	۴/۲۳	۰/۰۰۶	موسیقی ترکیبی ایرانی	ناحیه ۱	۱/۶	۱/۸	۳/۲	۰/۰۳
	ناحیه ۲	۷/۲	۴/۰۱				ناحیه ۲	۱/۶			
	ناحیه ۳	۷/۸	۳/۷				ناحیه ۳	۱/۲			
	ناحیه ۴	۷/۹	۳/۴				ناحیه ۴	۱/۰۳			
موسیقی رپ ایرانی	ناحیه ۱	۸/۰۴	۵/۰۱	۱/۷	۰/۱۶	موسیقی ملل غیر غربی	ناحیه ۱	۴/۶	۳/۴	۲/۵۴	۰/۰۶
	ناحیه ۲	۷/۵	۵/۰				ناحیه ۲	۴/۰			
	ناحیه ۳	۷/۵	۵/۰				ناحیه ۳	۴/۵			
	ناحیه ۴	۹/۱	۴/۹				ناحیه ۴	۵/۱			

مقوله موسیقایی	ناحیه تحصیل	میانگین ترجیح	انحراف معیار	F	Sig F	مقوله‌ی موسیقایی	ناحیه‌ی تحصیل	میانگین ترجیح	انحراف معیار	F	معناداری
موسیقی غربی	ناحیه ۱	۱۳/۶	۱۰/۱	۴/۷	۰/۰۰۳	موسیقی غربی	ناحیه ۱	۱۳/۶	۱۰/۱	۴/۷	۰/۰۰۳
	ناحیه ۲	۱۲/۹	۹/۲								
	ناحیه ۳	۹/۹	۹/۳								
	ناحیه ۴	۱۱/۰	۱۱/۰								

بحث و نتیجه‌گیری:

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط میان شهر و ناحیه‌ی شهری محل سکونت ۷۰۱ تن از دانش‌آموزان دبیرستانی شهرهای شیراز و قائمیه انجام شده است. در خصوص پاسخ به پرسش اول این پژوهش مبتنی بر اینکه شهر محل سکونت افراد چه تأثیری در بر بعد رفتاری و احساسی ترجیحات موسیقایی آنها دارد باید گفت که یافته‌های حاصل از آزمون دو فرضیه‌ی اول پژوهش نشان دادند که شهر و ناحیه‌ی شهری محل سکونت دانش‌آموزان و ناحیه‌ی شهری محل سکونت آنها با ترجیحات رفتاری موسیقایی‌شان ارتباط دارد. این ارتباط به گونه‌ای است که از یک سو دانش‌آموزان شیرازی نسبت به دانش‌آموزان قائمیه و از سوی دیگر در خود شیراز دانش‌آموزان نواحی ۱ و ۲ نسبت به نواحی ۳ و ۴ بیشتر در این کلاس‌ها شرکت می‌کنند. علت این مسأله می‌تواند میزان توسعه‌یافتگی، برخورداری بیشتر از امکانات مالی و فراغت در شیراز نسبت به قائمیه و نواحی ۱ و ۲ شیراز نسبت به نواحی ۳ و ۴ باشد. در خصوص پرسش دوم پژوهش مبنی بر این که شهر و ناحیه‌ی شهری محل سکونت دانش‌آموزان چه تأثیری بر بعد احساسی ترجیحات موسیقایی آنها دارد یافته‌های فرضیه‌ی ۳ پژوهش نشان داد که از یک سو ترجیح موسیقی سنتی ایرانی، موسیقی پاپ ایرانی خارجی، پاپ ایرانی داخلی، موسیقی رپ ایرانی و موسیقی ترکیبی ایرانی ارتباطی با شهر محل سکونت افراد ندارد و از سوی دیگر ترجیح موسیقی مذهبی، موسیقی محلی اقوام ایرانی، موسیقی ملل غیرغربی در قائمیه بیشتر از شیراز و ترجیح موسیقی غربی در شیراز بیشتر از قائمیه است. ترجیح

بیشتر موسیقی‌های محلی اقوام ایرانی و موسیقی مذهبی در قائمیه و موسیقی‌های غربی در شیراز می‌تواند مؤید یافته‌های وینس (۱۹۷۵) مبتنی بر ترجیح موسیقی عامیانه، راک و کانتری در شهرک‌های کشاورزی کوچک و یافته‌های کاتزگرو (۱۹۹۹) مبتنی بر ترجیح بیشتر موسیقی‌های نوین در نقاط شهری و موسیقی‌های قدیمی در حومه‌ی شهرها و نقاط روستایی، یافته‌های جینوک چیو (۲۰۰۶) مبتنی بر ترجیح موسیقی کانتری توسط ساکنان مناطق روستایی و موسیقی شهری توسط ساکنان مناطق شهری، یافته‌های رنتفرو و همکاران (۲۰۱۳) مبتنی بر اثرگذاری عوامل محیطی، پیشنهادی اقتصادی-اجتماعی، پیشنهادی قومی، تراکم جمعیتی بر ترجیحات موسیقایی افراد باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت که کوچک بودن قائمیه به عنوان یک شهر، کم بودن جمعیت آن، توسعه‌یافتگی اندک و سازمان‌نیافتگی شهری آن، پیشنهادی قومی قدرتمند آن، زیاد بودن میزان باورهای مذهبی و سنتی در آن باعث ترجیح بیشتر موسیقی‌های اقوام ایرانی، موسیقی مذهبی و موسیقی ملل غیر غربی در این شهر می‌شود. از سوی دیگر تراکم جمعیتی بالای شهر شیراز، توسعه‌یافتگی بالای آن، بافت قومی کمتر آن، پایین تر بودن باورهای مذهبی و سنتی در آن باعث ترجیح بالاتر نسبت به موسیقی‌های پیشروی چون موسیقی‌های غربی می‌شود. در خصوص ارتباط ناحیه‌ی شهری محل سکونت دانش‌آموزان با بعد احساسی ترجیحات موسیقایی‌شان یافته‌های فرضیه‌ی ۴ پژوهش نشان دادند که در ناحیه‌ی ۱ بیشترین میزان ترجیح موسیقی‌های غربی، کمترین میزان ترجیح موسیقی‌های مردم‌پسند ایرانی، میزان پایین ترجیح موسیقی ملل غیر غربی، میزان پایین ترجیح موسیقی‌های اقوام ایرانی، کمترین میزان میانگین ترجیح موسیقی مذهبی وجود دارد؛ در ناحیه‌ی ۲ ترجیح نسبتاً بالای موسیقی غربی، ترجیح نسبتاً پایین موسیقی پاپ ایرانی، کمترین میزان ترجیح موسیقی‌های ملل غیر غربی، کمترین میزان ترجیح موسیقی‌های اقوام ایرانی، ترجیح نسبتاً پایین موسیقی مذهبی وجود دارد؛ در ناحیه‌ی ۳ بیشترین میزان ترجیح موسیقی مذهبی، میزان بالای ترجیح موسیقی پاپ ایرانی، کمترین میزان ترجیح موسیقی‌های غربی، بیشترین میزان ترجیح موسیقی اقوام ایرانی وجود دارد؛ در ناحیه‌ی ۴ میزان متوسط

ترجیح موسیقی غربی، بیشترین میزان ترجیح موسیقی‌های پاپ، میزان متوسط ترجیح موسیقی اقوام ایرانی، میزان نسبتاً بالایی از ترجیح موسیقی مذهبی وجود دارد. ملاحظه می‌شود که ناحیه‌ی ۱ که در آن بیشترین ترجیح موسیقی غربی و کمترین میزان ترجیح موسیقی‌های پاپ ایرانی، موسیقی اقوام ایرانی، موسیقی مذهبی وجود دارد در یک سوی طیف ترجیح موسیقی و ناحیه‌ی ۳ که در آن بیشترین میزان ترجیح موسیقی مذهبی و موسیقی اقوام ایرانی و کمترین میزان ترجیح موسیقی غربی وجود دارد در سر دیگر طیف قرار می‌گیرد. نواحی ۲ و ۳ در میانه‌ی طیف قرار دارند که در این میان ناحیه‌ی ۴ الگویی نزدیک به ناحیه‌ی ۳ و ناحیه‌ی ۲ الگویی نزدیک به ناحیه‌ی ۱ دارد. این یافته‌ها مؤید مدل تصمیم‌ترجیحی آلبرت لبلانش مبتنی بر اثرگذاری مکان سکونت بر ترجیحات موسیقایی افراد است. از سوی دیگر این یافته‌ها مؤید یافته‌های شکوری و غلامزاده نطنزی (۱۳۹۰) مبتنی بر ترجیح بیشتر افراد ساکن در مناطق با توسعه‌یافتگی بالا نسبت به موسیقی‌های غربی، ترجیح بیشتر افراد ساکن در مناطق با توسعه‌یافتگی متوسط نسبت به موسیقی پاپ و ترکیبی، ترجیح بیشتر افراد ساکن در مناطق با توسعه‌یافتگی پایین نسبت به موسیقی پاپ، باشد. به علاوه ترجیح بیشتر موسیقی مذهبی در ناحیه‌ی ۳ می‌تواند مؤید این یافته‌ی شکوری و غلامزاده مبتنی بر این باشد که موسیقی مذهبی موسیقی مورد ترجیح مناطق دارای بافت سنتی و مذهبی است. ترجیح بیشتر موسیقی محلی اقوام ایرانی در ناحیه‌ی ۳ می‌تواند ناشی از این باشد که این ناحیه مهاجرپذیری بالایی دارد و درصد بیشتری از مهاجران آن از اقلیت‌های قومی چون لر و ترک هستند. بدین ترتیب می‌توان گفت که زندگی در مناطق شهری همچون ناحیه ۱ که دارای توسعه‌یافتگی بالا، امکانات مالی و فراغتی زیاد، مهاجرپذیری پایین است، علت ترجیح موسیقی‌های غربی است. زندگی در مناطق شهری همچون ناحیه‌ی ۳ که دارای توسعه‌یافتگی پایین، امکانات مالی و فراغتی پایین، مهاجرپذیری نسبتاً بالا، بافت قومی و مذهبی است، علت ترجیح زیاد موسیقی‌های مذهبی و موسیقی اقوام ایرانی می‌باشد. زندگی در مناطق شهری همچون ناحیه‌ی ۲ که دارای توسعه‌یافتگی نسبتاً بالا، امکانات مالی و فراغتی نسبتاً بالا،

مهاجرپذیری نسبتاً پایین است علت ترجیح نسبتاً بالای موسیقی غربی، ترجیح نسبتاً پایین موسیقی پاپ ایرانی، کمترین میزان ترجیح موسیقی‌های ملل غیرغربی، کمترین میزان ترجیح موسیقی‌های اقوام ایرانی، ترجیح نسبتاً پایین موسیقی مذهبی است. زندگی در مناطق شهری همچون ناحیه‌ی ۴ که دارای توسعه‌یافتگی نسبتاً پایین، امکانات مالی و فراغتی نسبتاً پایین، مهاجرپذیری نسبتاً بالاست، علت بیشترین میزان ترجیح موسیقی‌های پاپ، میزان متوسط ترجیح موسیقی اقوام ایرانی، میزان نسبتاً بالای ترجیح موسیقی مذهبی می‌شود. ارتباط شهر محل سکونت و ناحیه‌ی شهری محل سکونت با ترجیح موسیقایی احساسی و رفتاری مؤید مدل تصمیم‌ترجیحی لبانش است. درباره‌ی عدم تأثیرگذاری شهر و ناحیه‌ی شهری محل سکونت بر موسیقی سنتی ایرانی، موسیقی پاپ ایرانی خارجی موسیقی ملل غیر غربی و موسیقی رپ ایرانی توجه به نکات زیر می‌تواند راهگشا باشد. به نظر می‌رسد عدم تأثیرپذیری موسیقی پاپ ایرانی خارجی و موسیقی رپ ایرانی ناشی از این است که این دو گونه‌ی موسیقایی در حال حاضر در میان دانش‌آموزان ایرانی سبک‌های شناخته شده و همه‌پسند با ذائقه‌ی تثبیت شده‌ی خاص خود هستند. به نظر می‌رسد دلیل عدم تأثیرگذاری موسیقی سنتی ایرانی از مکان سکونت بر عکس چهار گونه‌ی پیش باشد و علت عدم تأثیرپذیری این سبک از مکان سکونت ناشی از این است که دانش‌آموزان ایرانی به طور عام در معرض این موسیقی قرار نمی‌گیرند و به علت عدم آشنایی نسبت به آن ترجیحی نشان نمی‌دهند.

منابع:

- شکوری، علی و غلامزاده نطنزی، امیرحسین. (۱۳۹۰). منش و مصرف موسیقی؛ مطالعه‌ی موردی: جوانان شهر تهران، **مجله‌ی جهانی رسانه**، شماره‌ی ۱۰، صص: ۷۰-۵۲.
- کیانی، مجید. (بی‌تا). **تقسیم‌بندی موسیقی‌های ایرانی**. (library.tebyan.net).
- ودادهیر، ابوعلی؛ امیریان، احسان؛ طباطبایی، آسیه سادات و سلمانی، محمدجواد. (۱۳۹۰). جوانان و موسیقی پاپ: بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی-فرهنگی مرتبط با گرایش دانشجویان دانشگاه تربیت معلم به موسیقی پاپ، **مسائل اجتماعی ایران**، سال دوم، شماره‌ی یکم، صص: ۱۹۳-۱۶۷.
- De Nora, Tia. (2003). **After Adorno: Rethinking of Sociology of Music**. New York: Cambridge university Press.
- Ginocchio J. (2006). **Music style preference: A ranking of musical styles and comparisons by :Gender Ethnicity Music training and Rural Suburban or Urban upbringing**. A Dissertation for the degree Doctor of Art. *Massachusetts School of Professional Philosophy*.
- Grazian, David. (2004). "Opportunities for ethnography in sociology of music." **Poetics**, Vol. 34:197-210.
- Hesmondhalgh, David & Negus, Keith. (2002). **Popular Music Study**. London: Arnold.
- Hodgkinson, Paul & Wolfgang, Deike. (2007). **Youth Culture: Scenes, Subcultures, Tribes**. NEW YORK: Routledge.
- Katz-gero, T. (1999). Cultural consumption and social stratification: Leisure activities, musical tastes and social location. **Social Perspective**, 42, pp: 627-646.
- Kemple, M. Thomas. (2009). "Weber/ Simmmle/ Du Bois: Musical Third of Classical Sociology." **Journal of Classical Sociology**, Vol. 9, NO. 2: 187-207.
- Kotarba, Joseph A. (2003). "Popular Music and Everyday Life: Three Styles of Scholarly Appreciation." **Journal of Contemporary Ethnography**, Vol. 32, No. 3: 360-368.
- Mizel, Lee. (2005). Crawford, Brett & Anderson, Caryn. (2005). **Music preferences in U.S.A: 1982-2002**. National Endowments for Arts.
- Rentfrow, J.P, et al. (2013). Geography of music preferences. Working paper series, Martin Prosperity Research.
- Shuker, Roy. (1998). **Popular Music: the key concepts**. New York: Routledge Publications.
- Shwartz, K. (2004). "Music Personality style and Development Issues of Adolescents." **Journal of Youth and Adolscence**, Vol. 32, NO. 3: 205-213.
- Simun, Miriam. (2009). My music, my world: using the MP3 players to

- shape experiences in London. **New Media Society**., Vol. 11(6): 921-941.
– Weiss.M.J.(1988). **The clustering of America**. New York,Harper&Row.

